

سخنرانی ببرک کارمل

در پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

درباره تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی

۱۱ حوت ۱۳۶۲

* * *

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

به مناسبت هفتمین سالروز تأسیس «اصالت»

* * *

رفقا!

دو موضوع برای بررسی به پلینوم کمیته مرکزی پیش می‌گردد. این دو موضوع عبارتند از تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی که در شرایط کنونی عمیقاً با هم پیوند دارند و در ماهیت امر مسأله واحدی را تشکیل میدهند زیرا هنوز ضد انقلاب کاملاً سرکوب نشده است.

به حکم قانونمندی انقلاب این وضع را دیگر نمیتوان تحمل کرد. پلینوم ما باید تصامیم لازم، قاطع و مشخص را اتخاذ نماید و ارگان های حزبی، دولتی و سازمان های اجتماعی را از جا تکان دهد تا به فعالیت جدی انقلابی بپردازند و حرف آتشین انقلابی و تمام تصامیم حزبی و دولتی را در عمل زنده انقلابی پیاده کنند.

این فرمان انقلاب، خلق و وطن است و تمام شرایط لازم برای اجرای این وظیفه وجود دارد. اکنون تجربه لازم در امور حزبی، دولتی و نظامی موجود است و باید موجود باشد. من فکر میکنم که از لحاظ روانی نیز ما اکنون بهتر و کاملتر از گذشته درک و تشخیص مینماییم که حزب حاکم بودن، حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان بودن یعنی چه و چه مسؤولیت های عظیمی را در قبال دارد. همه اینها از ما جداً میطلبد که کار انقلابی خود را به سطح نوین ارتقا بخشیم و در پلان جامعتر، وسیعتر و عامتر،

www.esalat.org

فاز نوین را به منظور تسریع پروسه تحولات ملی و دموکراتیک در افغانستان آغاز نماییم و انقلاب را به شیوه تعرضی طوری که رهبر پرولتاریای جهان گفته است به پیش سوق و اداره نماییم.

رفقا!

مفهوم «فاز نوین» تصادفی به وجود نیامده است. ما در این جا با ماهیت هر انقلاب واقعی بر می خوریم که حتماً باید رشد و تکامل یابد و محتوای اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی خود را غنا و تعمیق بخشد. این رشد و تکامل به طور متداوم و پی در پی، از یک مرحله به مرحله دیگر و در چارچوب هر مرحله، از فاز یا دوره اولیه به فاز ها یا دوره های بعدی آن رخ میدهد.

و. ا. لنین بار ها، منجمله در آثاری چون «چه باید کرد؟»، «بیماری کودکانه «چپروی» در کمونیزم» در این باره زیاد صحبت کرده است.

او خاطر نشان میکرد که هر فاز در تکامل روند انقلابی، از فاز قبلی بیش از همه و به طور عمده نظر به درجه پخته گی حزب، حاکمیت دولتی، سازمان های اجتماعی و همه ارگانیزم سیاسی و اقتصادی و ارتقای شعور خلق تفاوت دارد.

ناگفته پیداست که نیل به یک هدف بزرگ تاریخی گذار از دوره ها، مراحل، فازها، منازل، صورتها و اشکال مختلف را ایجاب می کند. بزرگترین گناه و چپروی درینست که هر مرحله در اجزای خود به صورت دقیق درک و تشخیص نشود و از یک مرحله یا دوره یا یک شکل، به مرحله، دوره یا شکل بعدی جهش صورت گیرد، این یکی از شیوه های خصلت نمای مائویست ها بوده است.

تشخیص و درک این مطلب، از اهم مباحث تیوریک و پراتیک حزب ما میباشد و امیدوارم که ارگان مرکزی حزب ما «حقیقت انقلاب ثور» و سایر نشرات، تغییراتی را که در جامعه رخ میدهد و مراحل مختلف رشد و تکامل انقلاب را از طریق تحقیقات دقیق علمی توضیح نمایند.

اگر درباره مرحله جاری انقلاب صحبت کنیم، با اطمینان میتوانیم بگوییم که همه ما، در مقایسه با زمان آغاز آن کاملاً تغییر و فرق کرده ایم و باید تغییر کرده باشیم و انقلابی فرق کرده باشیم.

با صراحت اظهار میدارم که باید متناسب با مرحله، دوره یا فاز های مختلف انقلاب، تمام انقلابیون، در شخصیت، خصایل و سجایای خود تغییر وارد کنند. تاریخ جنبش های انقلابی بین المللی نشان میدهد که آنهایی که توأم با پروسه رشد انقلاب تغییر نکرده اند و در شخصیت دیروز خود باقی مانده اند یا مرتکب اشتباهات جبران ناپذیر میشوند یا حتی مرتکب خیانت میگرددند و از صحنه مبارزه و سیاست

محو و نابود میشوند. فیصله های کنفرانس سرتاسری حزب، کار در جهت تحقق آنها و تجربه جدیدی که در نتیجه حاصل شده است بنیاد واقعی و اصولی را برای بهبود همه فعالیت های ما ایجاد کرده است. با تکیه بر همین بنیاد هم ما قادر هستیم که به صورت قاطع و با بانگ رسا ضرورت تحکیم حزب ما، ح.د.خ.ا. را به مثابه حزب طراز نوین وفادار به انترناسیونالیزم پرولتری، در رأس اتحاد شوروی، حزب با دسپلین و وحدت آهنین و همچنین ضرورت تحکیم دسپلین دولتی، کار و فعالیت پیگیر انقلابی، ارتقای سطح مسؤلیت و مطالبات، صلاحیت و رشد ابتکار را اعلام بداریم. در گذشته نیز ما این امر را میخواستیم. اما اکنون این شعار ها و خواستها باید واقعاً قابل تحقق باشند و به طور پیگیر در عمل زنده پیاده گردند. حزب برای این کار پخته شده است و رهبری حزب تصمیم قطعی دارد تا بهبود اسلوب و شیوه کار را تأمین کند. همین امر فاز نوین است و ما در بیروی سیاسی آنرا این طور درک میکنیم.

من فکر میکنم که از نظر ساختمان حزبی و تکامل ح.د.خ.ا. به مثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه و دولت، مشخصه فاز نوین قبل از همه باید این باشد که برخورد اعضای حزب نسبت به آنچه که در حزب و پیرامون آن می گذرد در جهت تکاملی تغییر یابد. مسأله بر سر ضرورت اجرای کامل و بلاقید و شرط وظیفه حزبی و همه وجایب ناشی از برنامه عمل، اساسنامه حزب و فیصله های پلینوم های کمیته مرکزی است. مسأله بر سر مهمترین امر برای حزب یعنی تأمین وحدت ارگانیک آن، محو مظاهر عدم شور و شوق و عدم علاقه برای همکاری، امحای نفع طلبی محفلی و گروهی، امحای شیوه های کار شکنی، عدم همکاری، جاه طلبی، خود خواهی و لجاجت کور کورانه که متأسفانه هنوز به نظر میخورد، است. صریح و به تأکید خاطر نشان میسازیم: تا کنون درباره مبارزه با این مظاهر بیشتر حرف زده میشد تا عمل. فاز نوین همین معنی گذار از حرف به عمل، به کار عملی مشترک در جهت اجرای فیصله های حزب را دارد. و آن کسیکه یکدل و یکجا با تمام نیرو در این کار اشتراک نمیکند، تحت هر ماسکی که خود را بپوشاند به حیث انشعابگر و فرکسیونباز در حزب ما شناخته خواهد شد. به این ترتیب او خود را افشا نموده حق باقی ماندن در حزب را از دست میدهد، از حزب اخراج میشود و از مقامات دولتی طرد میگردد.

تمام تجربه بین المللی نشان میدهد، که حزب انقلابی مخصوصاً حزب انقلابی حاکم باید نمونه سازمان پذیری و دسپلین باشد، که بدون آنها نمیتواند وحدت واقعی به میان آید. طرح وحدت به صورت مجرد آن نمیتواند وحدت را تأمین کند. وحدت آهنین فقط میتواند از طریق انضباط آهنین تأمین گردد، طور دیگری نمیتواند باشد و حزب حاکم انقلابی به گونه دیگر نمیتواند پیروزی های خود را حفظ کند، از انقلاب دفاع نماید و قدرت حاکمه را در دست خود نگهدارد و بخصوص نمیتواند به ساختمان جامعه نوین نایل آید. ببینید که کمیته مرکزی حزب لنین در دشوار ترین و پرمخاطره ترین هنگام برای

سرنوشت انقلاب، در سال ۱۹۱۸ به کمونیست های روسیه چه میگفت: "لازم است درک گردد که بدون حزبی محکم و بهم پیوسته که مانند شخص واحد عمل کند، ما نمیتوانیم وظایفی را که در برابر ما قرار دارد، انجام دهیم. ما همه اعضای حزب را به دوستانه ترین و پر تحرک ترین کار در امر تحکیم سازمان حزبی، ارتقای دسیپلین و یکپارچگی صفوف خود در سطح عالی لازم دعوت میکنیم."

همه اینها بموقع بودن، درستی و ضرورت این چنین طرح مسأله را به اثبات میرساند و ما را بیشتر به آن متیقین میسازد. در فاز کنونی انقلاب وقت آن رسیده است که بهتر و بیشتر کار صورت گیرد، آنچه که در وجود تصامیم درست و معقول ما انعکاس یافته است به مردم داده شود و اجرای پیگیر و کامل این تصامیم به وسیله کاریکه مردم را در عمل و نه در حرف در حل مسایل موجود کمک کند، تأمین گردد.

باید خاطر نشان کرد که مطالبات فاز نوین تنها متوجه حزب نیست، بلکه اهمیت عام دارد. ما باید در عرصه اداره دولت، تحولات اجتماعی-اقتصادی، در اجرای اصلاحات ارضی و آب، در تأمین امنیت و بهبود شرایط زنده گی مردم، در کار صنایع، زراعت، تجارت، تنزیل قییم، ترانسپورت و مخابرات در جهت ارتقای سطح زنده گی زحمتکشان به صورتیکه در ظرف یکسال برای شان محسوس و قابل لمس باشد، نیز از حرف به عمل بگذریم. باید حتماً و حتماً در ظرف یکسال چیزی قابل لمس و احساس به مردم داد.

بالاخره فاز نوین باید چرخش قاطع را در عرصه مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح و تسریع سرکوب آن نه تنها از طریق بهبود عملیات اردو، ثارندوی و خا، بلکه از طریق جلب هرچه وسیعتر توده های مردم در این امر ضروری نیز به عمل درآورد.

اجازه دهید، اکنون به ارزیابی و تشخیص مفصلتر جهات اساس کار ما در رابطه با پروبلم های میرم حل نشده و نزدیکترین و عاجل ترین دورنما و وظایف انقلاب ثور پردازم.

رفقا!

جهت اساسی و محتوی عمده کار حزب، حکومت، نیروهای مسلح، مؤسسات ملکی، سازمانهای اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و همه وطنپرستان کشور عبارتست از تشدید مساعی مشترک در مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح، این مسأله عمده و تعیین کننده زنده گی ماست و همه چیز مربوط به آن است.

بیروی سیاسی معتقد است، بین آنچه که ما توانایی آنرا داریم و آنچه که حاصل نموده ایم فاصله یی به میان آمده و هنوز رفع نگردیده است. در نتیجه تدابیری که حزب و حکومت اتخاذ کرده اند، نیروهای

مسلح ما بدون تردید رشد نموده و تحکیم پذیرفته است. آنها با همه انواع ضروری تخنیک محاربه وی و تجهیزات مطمئن مجهز گردیده اند. حزب بهترین نماینده گان خود را به نیروهای مسلح می فرستد اکنون بیش از شصت فیصد اعضای حزب در اردو، خاندوی، و خاد خدمت میکنند. بر علاوه تعداد زیاد اعضای حزب و سازمان دموکراتیک جوانان هسته گروه های مدافعین انقلاب، دفاع خودی و سپاهیان انقلاب را تشکیل میدهند. ما با سرفرازی و افتخار میگوییم که حزب ما از لحاظ ترکیب خود، حزب واقعاً جنگنده و رزمنده است و در رأس مبارزه به خاطر دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی وطن قرار دارد.

اما باید در نظر داشت که پیروزی در این مبارزه نه فقط با نیروی حزب و قوای مسلح، بلکه بیش از همه به طور عمده در نتیجه پشتیبانی توده های مسلح و سازمان یافته مردم حاصل میشود.

این امر را رهبر پرولتاریای جهان دوازده سال قبل از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر پیشبینی نمود. او نوشت که بعد از حصول پیروزی تراکم عظیم انرژی انقلابی همه طبقات پیشرو لازم است، تا از این دستاورد دفاع گردد. او در زمان بعد از انقلاب، این اندیشه را رشد داده خاطر نشان میکرد که در تحلیل نهایی بلشویک ها به این سبب پیروز شدند که اعتماد و پشتیبانی توده های عظیم مردم را حاصل کردند، توده ها را از جنگ ضد انقلاب رهایی بخشیدند، ضد انقلاب را از اتکای اجتماعی آن محروم ساخته و در جامعه تجرید کردند.

چنانکه در نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید تقویت کار حزب در میان توده ها، جذب آنان به طرف ما، جلب آنان در تکامل انقلاب و دفاع از آن، عمده ترین وظیفه حزب و حاکمیت انقلابی است.

امروز ما میتوانیم خاطر نشان سازیم که گرچه در این مهمترین امر تنها گامهای نخستین را برداشته ایم، باز هم تغییرات معین رخ داده و رخ میدهد. هزاران نفر به طور داوطلبانه شامل گروه های دفاع خودی، مدافعین انقلاب و قطعات محلی و قومی گردیده اند. آنها با این کار خود به طور آگاهانه به استقبال خطرات میروند و زنده گی خود را در معرض آن قرار میدهند. اما سیل داوطلبان کاهش نیافته بلکه افزایش حاصل میکند. برعلاوه، تعداد زیادی از باندها، از اعمال خویش نادم و پشیمان گردیده اکنون با ارگانهای حاکمیت دولتی همکاری میکنند و در مبارزه علیه دشمنان انقلاب اشتراک مینمایند.

به این ترتیب، روند پیوستن بخش های هرچه بیشتر مردم به انقلاب جریان دارد. هنوز وقت است بگوییم که این روند خود به خود امحا و اضمحلال ضد انقلاب را تعیین میکند، اما مردم بهتر میبینند و درک میکنند که در عمل چه کسی دوست شان و چه کسی دشمن شان است. باید به این نکته توجه کرد که

امروز زنان افغان نیز در مبارزه علیه ضد انقلاب مسلح چون شیر مردان می رزمند، خواهران و مادران ما در دفاع از سرزمین مقدس خود، در جنگ علیه باندیت ها و تجاوزات اجنت های ارتجاع منطقه و امپریالیزم امریکا حماسه های جاویدان می آفرینند. خاطره حماسه بی که زنان دلیر جاجی میدان آفریدند، در تاریخ پرافتخار حزب ما جاویدان خواهد بود. از همه اینها چه نتیجه گیری میتوان کرد؟

نتیجه گیری یکی میتواند باشد و آن اینکه: ما نیرومند تر از دشمنان خود هستیم. ما بهتر و خوبتر مجهز و مسلح هستیم. ما از آنچه که دشمنان تنها در حرف وعده دروغین میدهند، در عمل بیشتر برای مردم فراهم آورده و مهیا میسازیم. هم مبارزه انقلابی ما عادلانه است، هم حق و هم نیرو به طرف ماست. اما دشمنان ما به چه کار اتکا میکنند؟

بیایید در مورد این مسأله کمی مفصل تر صحبت کنیم. ما می بینیم که سازمان های ضد انقلابی به چه اعمالی دست می زنند. فقط بعضی مثالها و حقایق را بیان میدارم. به همه گان معلوم است که یک تعداد قابل ملاحظه بی ملاها و روحانیون وطنپرست کشور، معلمان و دکتوران قربانی خونریزی وحشیانه و ددمنشانه آن شده اند. آنان دهها مسجد، یکصد و سی شفاخانه و مرکز صحتی و یکهزار و هشتصد و چهارده مکتب یعنی تقریباً نصف همه مکاتب کشور را تخریب کرده و یا سوختانده اند. کی میتواند ضرری را که به دهقانان در نتیجه از بین رفتن سرپناه، حاصلات زراعتی و مواشی و غیره که از طرف ضد انقلاب به غارت برده شده و یا تخریب گردیده است، محاسبه کند؟

ضد انقلاب، ترقی اقتصادی وطن را مانع میشود و تلاش می ورزد تا کشور ما فقیر و عقبمانده باقی ماند و نظام قرون وسطائی احیا گردد. برای اینکار همه اعمال شوم ممکن را انجام میدهد. و همین ضد انقلاب است که به افغانستان معادل سی و پنج میلیارد افغانی خساره وارد نموده است. این رقم بر اساس یک تخمین ارتجالی نصف همه سرمایه گذاری در رشد اقتصاد کشور را در ظرف بیست سال اخیر میسازد.

لذا ضد انقلاب نیروی شر و تخریب است. این چیزی است که مشخصه آنرا میسازد. سرکرده گان ضد انقلاب به خاطر منافع شخصی خود مبارزه میکنند. زیرا آنچه که آنها انجام میدهند، نمیتواند با منافع مردم، با منافع انسان های شرافتمند و ساده کشور، مطابقت داشته باشد. بنا بر این سرکرده گان ضد انقلاب نه تنها با مردم بلکه با یکدیگر خود نیز نمیتوانند زبان مشترک داشته باشند. آنها هیچگاه موفق نمیگردند جبهه واحد نا مقدس را علیه افغانستان انقلابی بسازند. اگر به ریشه و ماهیت اشیا و پدیده ها نگرسته شود، معلوم میگردد که وحدت آنها نه تنها به خاطر تمایلات حریصانه، خود خواهی های

وحشیانه و خود پرستی هایشان که مشخصه درجه یک آنها را می سازد ممکن نیست، بلکه قبل از همه وحدت شان به خاطر آن میسر و امکان پذیر نمیگردد که آنها چیزی به مردم پیشنهاد کرده نمیتوانند، به خواست مردم پاسخ مثبت داده نمیتوانند و نمیخواهند و قادر نیستند به مردم آنچه را که نیازمند است، بدهند. خونریزی، فریب، ترور، اختناق و ظلم قرون وسطایی هیچگاه آنها را به پیروزی نمی رساند. جریان تکامل تاریخ به نفع ماست و ما به طور بلا قطع علیه آنها مبارزه میکنیم.

اما این مسأله نیز روشن است که پیروزی خود به خود حاصل نمیشود. ارزیابی عینی اوضاع و استراتژی و تاکتیک درست و پیگیر لازم است. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که تعداد ضد انقلابیون "آرمانی" که دارای به اصطلاح مواضع ایدئولوژیک اند، آنقدر زیاد نیست. عمده چیز دیگر است. عده زیادی از مردم هنوز به امر دفاع از انقلاب جلب نشده اند. این واقعیت تلخی است که رفع آن ایجاب درک و عمل را میکند. این وضع تا حد زیادی ناشی از اشتباهات، عدم توانایی و بعضاً هم عدم آرزومندی برای کار همیشه گی و پر حوصله با توده های مردم و ناشی از عدم اجرای کامل تحولاتی که اعلام شده و خواست مردم است، می باشد. اما این هم واضح است که این عده که در کنار ما نیستند، با ضد انقلاب نیز نمی باشند و به دنبال آن نرفته اند. تحلیل ترکیب اعضای سابق باند ها که به ما پیوسته اند یا تسلیم شده اند، چه چیزی را روشن میسازد؟ اینرا که بخش قاطع آنان در نتیجه فریب و ارعاب ضد انقلاب به باندیت ها پیوسته بودند. در این جا همه چیز واضح میگردد. باز هم دروغ و خونریزی جباران ضد انقلاب، دروغ پراگنی رذیلانه ارتجاع و امپریالیزم، تعدادی از افراد ساده وطن را موقتاً به اردوگاه ضد انقلاب پیوند داده است. چه نتیجه گیری باید کرد؟

قبل از همه باید به پخش حقایق در باره انقلاب ثور، سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، افشای جعلیات، دروغ ها و اتهامات دشمنان توجه بزرگ صورت گیرد و اینکار بهتر از امروز عملی گردد. باید ضد انقلاب را از لحاظ اندیشه زهر آگین و عمل وحشیانه آن افشا و سرکوب نمود، تعرض وسیع، منسجم و هماهنگ ایدئولوژیک را هم در چارچوب پلان های کمپلکس که متوجه آزادی و پاکسازی این یا آن منطقه است و هم در مقیاس همه کشور، گسترش داد. این امر ضامن سرکوبی نظامی آن نیز است.

در اسناد پلینوم نهم و پلینوم های بعدی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. به طور وسیع و کامل وظایف ارگان های تبلیغ و ترویج حزبی، وسایل اطلاعات جمعی، ارگانهای فرهنگی، مؤسسات نشراتی، اتحادیه های و شنفکران ایجادگر و غیره و همچنان وظایف تمام اعضای حزب، سازمان های اجتماعی، ارگان های دولتی و نظامی و جبهه ملی پدروطن طرح و تشریح گردیده است. اما تصامیم اتخاذ شده در عمده ترین بخش اجرا نگردیده است. یعنی هنوز به پیمانته ضروری کار صورت نگرفته و هماهنگی لازم،

سیستماتیک، پیگیر و ضرور در فعالیت عرصه ایدئولوژیک وجود ندارد. حقیقت انقلاب ما هنوز به اکثریت قاطع دهها و مراکز زیست نرسیده است و در نتیجه جمعیت زیاد مردم از آن بی خبر اند. وقت آن رسیده است که درک گردد که هر عضو حزب از پایین تا بالا، هر عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، هر کارمند ارگان های حاکمیت دولتی، هر افسر و بخصوص هر کارمند سیاسی و هر سرباز هر کارمند خاندوی و خاد باید حامل و پخش کننده این حقیقت و مبارز راه آن باشد. همه تدابیر حزب و دولت در جهت استحکام حاکمیت دولتی در محلات باید از لحاظ ایدئولوژیک نیز تأمین گردد. اگر به طور خلص گفته شود، باید هم افراد و هم وسایل تخنیکی لازم کاملاً آماده باشند تا فوراً در جریان عملیات به مردم از طریق میتنگ های وسیع، پخش اوراق، به وسیله بلند گو ها و حرف های ساده، مفهوم انقلاب، سیاست حزب و حکومت، وظایف خود مردم در ساحه دفاع خودی و در عرصه حل پروبلم های مبرم محلی، توضیح و تشریح گردد. رهبران حزبی و دولتی، افسران نظامی، شعبات کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.، ریاست های سیاسی قوای مسلح، وزارتخانه ها و ادارات مربوط و کمیته های حزبی موظفند به این امر توجه کنند. این کار توضیحی را باید در جهت جلب مردم برای شرکت در روند انقلاب و دفاع از آن سمت داد.

رفقا!

حزب ما و حاکمیت انقلابی به ساختمان نیروهای مسلح و وضع آن به مثابه هسته بی اساسی و قلعه استوار و پیشتاز مبارزه علیه ضد انقلاب توجه زیاد دارد. چنانکه شما میدانید این پروبلمها بار ها در پلینوم ها و جلسات بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب بررسی و ارزیابی گردیده و در مورد تصامیمی اتخاذ شده است و همچنان یکتعداد جلسات مشورتی کارمندان حزبی، ارگانهای دولتی، قوماندانان و کارمندان سیاسی قوای مسلح وقف این موضوع گردیده است. اما اوضاع حکم می کند که بار دیگر به این مسأله بپردازیم.

ما اردو، خاندوی و خاد را تحکیم بخشیده و تحکیم می بخشیم، این کار فقط برای سرکوب کامل و قطعی ضد انقلاب، دفاع از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و دفاع از انقلاب ضرور است. ما هدف دیگری نداریم. من به نماینده گی از حزب و مردم یک بار دیگر اعلام میدارم: که جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچگاه منبع تهدید به کشور های همسایه یا سایر کشور ها نخواهد بود. اما دشمنان انقلاب ما هنوز سلاح به زمین نگذاشته اند. این وضع ما را مجبور می سازد تا به طور پیگیر و با اصرار به کار دفاعی بپردازیم. ما تجدید لازم ساختمان مؤسسات نظامی سابق را تحقق بخشیده اردو، خاندوی و خدمات امنیتی نوین را ایجاد کردیم. کمیت آنها افزایش می یابد، تأمین مادی و تخنیکی و قابلیت و آماده

گی رزمی آنها بهبود حاصل می کند. در سال جاری عملیات های موفقانه نظامی بسیار صورت گرفته است که ضربات قابل ملاحظه یی را بر ضد انقلاب وارد کرده و پلان های آنرا در جهت وخامت اوضاع در کشور خنثی نموده است. نیروهای خاندوی بارها حمله اشرا را بر قسمت زیادی از مناطق زیست و مؤسسات اقتصادی و اداری دفع نموده اند. خاد سهم قابل ملاحظه و افزایش یابنده را در مبارزه علیه ضد انقلاب می گیرد. امروز ما با اطمینان و افتخار میتوانیم بگوییم که انقلاب ما در برابر هرگونه سوء قصد دشمنان از خود دفاع میکند. بگذار هیچ یک از آنان امیدوار به عدم مجازات نباشند، اما هرکسیکه بیهوده گی مبارزه علیه انقلاب، خلق و وطن را درک کند، میتواند امیدوار ترحم و عدالت باشد. شمشیر بران انقلاب فقط آنانی را محو و نابود خواهد کرد که به نفع دشمنان وطن انقلابی ما آگاهانه علیه خلق و وطن عمل میکنند.

رفقا!

سیاست ما سیاست صلحجویانه است، ما از تمام پیشنهاد ها و پروگرام های صلح اتحاد شوروی که از طرف مقامات رهبری حزبی و دولتی شوروی صورت گرفته و در اسناد کنگره ها و پلینوم ها بسط و توسعه یافته است پشتیبانی میکنیم.

سیاست صلحجویانه به این معنی نیست که ما در دفاع از کشور و وطن خود سیاست پسیف داشته باشیم. ما سیاست فعال، پر تحرک و زنده سیاسی صلحجویانه را تعقیب مینماییم.

کشور ما، کشور کوچک نیست، کشور ما در یک نقطه تاریک و دور افتاده جهان قرار ندارد. کشور ما بزرگ و کبیر است. بعد از انقلاب ثور نقش و تأثیر کشور و مردم ما بر پروسه های جهانی قابل ملاحظه گردیده است.

ما افتخار داریم که انقلاب ما، انقلاب ثور خصومت تمام دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان و دشمنان پرولتاریا و جهان سوسیالیستی را جلب نموده است. این خود نمایانگر آنست که راه ما راه درست، راه حق و شرافت است.

باید توجه داشت که جهان در حال حاضر بر سر دو راهی خطیر جنگ و صلح قرار دارد. امروز راه سومی وجود ندارد، یا دفاع از صلح یا افتادن در دامن فاجعه جنگ. این جنگ در تفاوت با تمام جنگهای گذشته به شمول جنگ متجاوزانه اشغالگران فاشیزم هتلری جنگی بس وحشتناک خواهد بود که موجودیت و هستی تمدن بشری را جدأ تهدید میکند. بنا برین حزب ما به مثابه پیشتاز صلح و رهبر انقلاب، مردم، جامعه و دولت باید افق دید خود را فوق العاده وسیع سازد.

سیاست فعال ما، هم به مثابه وظیفه ملی و وطنپرستانه، هم به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی، بازو به بازوی اتحاد شوروی و جهان صلح و سوسیالیزم قرار دارد.

در حال حاضر نه تنها وظایف انقلابی ما و ایجابات ساختمان جامعه نوین حکم میکند که ما توده های عظیم مردم خود را به طرف انقلاب جلب کنیم و یک قوای مسلح طراز نوین، جنگنده، مبارز و مدافع وطن و مردم داشته باشیم، بلکه به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی خود نیز به نام بشریت، به نام حفظ تمدن بشری باید یک نیروی مسلح قوی و نیرومند یکجا با مردم تحت رهبری حزب ایجاد کنیم که در صورت مواجه شدن با جنگ مستقیم در برابر حملات نخستین به سرزمین مقدس ما با مشت های آهنین پاسخ داده بتواند. البته ما تنها نیستیم، هم اکنون قطعات محدود قهرمان قوای مسلح اتحاد شوروی در کنار و دوش به دوش ما برای حفظ آزادی و استقلال می رزمند. ما باید به پای خود ایستاده شویم و با داشتن قوای مسلح منظم و سازمان یافته، در برابر دشمنان تجاوزکار، بی امان و بی ترس، قهرمانانه و شجاعانه برزمیم. اینجاست که اهمیت عظیم تقویت قوای مسلح و جلب توده های مسلح مردم در امر دفاع از انقلاب، آزادی و استقلال کشور به مثابه یک وظیفه جدی و اساسی با برانزده گی خاص تبارز میکند.

اکنون درباره بعضی مسایل مشخص ساختمان نظامی خود صحبت میکنیم. قبل از همه برای ما لازم است تا مساعی خود را متوجه بهبود کار در ساحة اكمال نیرو های مسلح ساخته، نه تنها کمیت پرسونل، بلکه کیفیت، آماده گی جنگی و روحیه عالی و پرشور وطنپرستانه را تأمین کنیم. باید تمام کار مربوط به اكمال نیروهای مسلح و اجرای کامل و به موقع پلانهای جلب و احضار بهتر سازمان داده شود.

البته به خاطر عدم اجرای فیصله های پلینوم و پلان های جلب و احضار قبل از همه مسئولین مربوط ادارات نظامی و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پاسخگوی اند.

رفقا باید جدی ترین نتیجه گیری ها را هم برای ارگان های مربوط و هم برای شخص خود نمایند. اما باید صریحاً گفت که بعضی افراد مقامات مسئول حزبی و دولتی طوریکه لازم است به مسأله جلب و احضار توجه نمیکنند. کمیساری های نظامی در این جهت کار درست نمیکنند و ارگان های عدلی از کار در ساحة جلب و احضار کاملاً برکنار مانده اند.

تصویر بسیار نامطلوب و نادرستی به میان می آید. اردو که باید روز تا روز ضربات خود را بر اشرار تقویت بخشد، مجبور است بخش قابل ملاحظه نیرو و وسایل را جهت سازماندهی و تأمین جلب و احضار مصروف سازد. چنین استفاده غیر معقول از نیروهای نظامی منظم درست نیست. من درین

بارہ کہ این کار بہ پرورش حس احترام و دوستی نسبت بہ اردو و خدمت عسکری در میان مردم و مخصوصاً جوانان مساعدت ننمودہ، بلکہ بہ آن لطمہ وارد میکند، هنوز صحبت نمیکنم.

عملی ساختن جلب و احضار و اکمال نیروهای مسلح را از لحاظ افراد باید قبل از همه ارگانهای حاکمیت دولتی، کمیساری های نظامی با اشتراک مستقیم و فعال سازمان دموکراتیک جوانان، سایر سازمان های اجتماعی تحت رهبری و کنترل سازمان های حزبی و همچنان مسؤولان زونها و کمیسیون فوق العادہ جلب و احضار و مسؤولان آن در زونها بہ عہدہ داشتہ باشند. در آنجاییکہ این کار بہ طور واقعی صورت میگیرد موفقیت نیز حاصل میگردد. در عین زمان باید بہ صورت فعالیت ساحة جلب و احضار را توسعہ داد و با جرأت بیشتر بہ قریہ ہا، علاقہ داری ہا و ولسوالی ہا رفت و در آنجا ارگان های حاکمیت انقلابی، سازمان های حزب و جوانان را ایجاد کرد و تحکیم بخشید و مردم را در امر دفاع از وطن جلب کرد. نباید زمینہ جلب و احضار کار خود را بہ چند شہر محدود ساخت. این امر تمام نظم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما را برہم میزند. از شہر ہا باید جدأ بہ طرف دہ ہا رفت.

باز ہم خاطر نشان میسازم . . .

ادامہ دارد . . .